



مرکز تحقیقات اسلامی

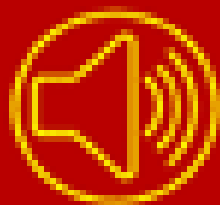
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مقالات

متن زیارت غدیریه

امام هادی علیه السلام

جمعی از راویان

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه الصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متن زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام

نویسنده:

جمعی از راویان

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	متن زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام
۶	مشخصات مقاله
۶	مقدمه
۶	زمان صدور
۷	سند زیارت
۷	محور و محتوای زیارت
۷	اشاره
۷	فضیلت های قرآنی
۷	فضیلت های حدیثی
۸	فضیلت های تاریخی
۸	متن و ترجمه همراه با صوت
۵۳	درباره مرکز

مشخصات مقاله

متن زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام

زیارت غدیریه به سند های معتبر از حضرت هادی علیه السلام نقل شده است که با آن زیارت حضرت امیرالمومنین علیه السلام را در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود زیارت کردند و کیفیت آن به این نحو است: چون اراده زیارت نمایی بر بارگاه نورانی بایست و رخصت بخواه، و زیارت غدیریه را بخوان.

خیراندیش دیجیتالی: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

مقدمه

غدیر صادر شده است. محور این زیارت، تولی و تبری و محتوای آن بیان فضائل امام علی (علیه السلام) است. زیارت غدیریه را در هر موقع از سال می توان خواند.

زمان صدور

معتصم خلیفه عباسی، امام هادی (علیه السلام) را از مدینه به سامرا فرا خواند. در روز غدیر، امام به نجف رسید و امیرالمومنین (علیه السلام) را زیارت کرد که متن آن به زیارت غدیریه مشهور است.

در کتاب های دعا و زیارت، زمان خواندن آن، روز عید غدیر ذکر شده است. شیخ عباس قمی هم با استناد به کلام عثمان بن سعید گفته است که این زیارت را در هر روز سال از نزدیک و دور می توان خواند.

ص: 1

سند زیارت

این زیارتنامه را ابن مشهدی از شاذان بن جبرئیل قمی از محمد بن علی طبری از ابوعلی طوسی از پدرش شیخ طوسی از شیخ مفید از ابن قولویه از کلینی از علی بن ابراهیم قمی از پدرش از حسین بن روح نوبختی و عثمان بن سعید عمری از امام حسن عسکری (علیه السلام) از امام هادی (علیه السلام) روایت کرده اند. در وثاقت هیچ یک از راویان این زیارتنامه تردید نشده است. همچنین محدث قمی نوشته است که «کتر حدیثی به قوت سند این زیارت نامه می رسد».

محور و محتوای زیارت

اشاره

محور اصلی زیارت غدیریه، اصل تولی و تبری و محتوای اصلی آن بیان فضائل امام علی (علیه السلام) است.

مهمترین بخش های این فضیلت ها عبارتند از:

فضیلت های قرآنی

در این زیارت بیش از 30 آیه آمده است که بیان فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ نظیر آیه ليله المبيت، آیه تبلیغ، آیه ولایت و ...

فضیلت های حدیثی

در زیارت غدیریه به بیان فضایلی که پشتوانه روایی در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت دارد، اشاره شده است. مانند امیرالمؤمنین، سید الوصیین، وارث علم التبین، ولی رب العالمین، امین الله فی ارضه، سفیر الله فی خلقه، الحجّه البالغه علی عباده، دین الله القویم، صراط مستقیم، نبأ عظیم، اول من آمن بالله، سید المسلمین، یعسوب المؤمنین، امام المتقین، قائد الغر المحجلین، امام المتقین، اول من صدق بما انزل الله علی نبیه و ...

ص: 2

فضیلت های تاریخی

این زیارت، مطالبی از رشادت های تاریخی امام علی (علیه السلام) و فداکاری های آن حضرت در راه دین اسلام را بیان کرده است. از جمله: جنگ بدر، احزاب، أحد، جنگ حُنین، صفین، جمل، نهروان و...

در این زیارت همچنین به ماجرای فدک، بیزاری از دشمنان ولایت و برائت از قاتلان امام حسین (علیه السلام) و شهادت عمّار، شهادت حضرت علی (علیه السلام) و شهادت سیدالشهدا علیه السلام اشاره شده است.

متن و ترجمه همراه با صوت

فایل صوتی زیارت غدیریه با نوای آقای صدقی

.Your browser does not support the audio tag

فایل صوتی زیارت غدیریه با نوای آقای سجادپور

.Your browser does not support the audio tag

السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ،

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران

وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ، وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ،

و سرور رسولان و برگزیده پروردگار جهانیان،

أَمِينِ اللَّهِ عَلَي وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ ، وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ ،

امین خدا بر وحی و دستورات قطعی الهی و ختم کننده آنچه گذشته و گشاینده آنچه خواهد آمد

وَالْمُهَيِّمِ عَلَي ذَلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ .

و چیره بر همه این ها و رحمت و برکات و درودها و تحیات خدا بر او باد.

السَّلَامُ عَلَي أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ، وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ .

سلام بر پیامبران خدا و رسولانش و فرشتگان مقرب و بندگان شایسته اش.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ ، وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ ،

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان و وارث دانش پیامبران

وَوَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ .

و ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان و رحمت و برکات خدا بر او باد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ،

سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان، ای امین خدا بر روی زمینش

وَسَفِيرُهُ فِي خَلْقِهِ ، وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ؛

و سفیر او در خلقش و حجت رسایش بر بندگان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ

سلام بر تو ای دین معتدل خدا و راه راستش،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ

سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها

ص: 3

در آن اختلاف کردند و از آن بازخواست شوند،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ ،

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، به خدا ایمان آوردی، در حالی که مردم همه شرک می ورزیدند

وَصَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ وَهُمْ مُحْجَمُونَ ،

و حق را تصدیق گفתי وقتی که آنان، آن را تکذیب می نمودند و جهاد کردی و آنان از جهاد عقب نشینی می کردند،

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ ،

خدا را عبادت کردی، در حالی که خالص نمودی برای او دین را، برای او دین را، صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی تا مرگ تو را در رسید،

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ ،

آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران. سلام بر تو ای آقای مسلمانان

وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،

و رئیس دین و پیشوای اهل تقوا و مقتدای سپید رویان

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ،

و رحمت و برکات خدا بر تو باد؛ شهادت می دهم که تویی برادر رسول خدا،

وَوَصِيئِهِ، وَوَارِثُ عِلْمِهِ، وَأَمِينُهُ عَلَى شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ،

جانشین و وارث علمش و امین او بر قانونش و جانشین او در امتش

وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَدَّقَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيَّ نَبِيِّهِ،

و اول کسی که به خدا ایمان آورد و تصدیق کرد آنچه را نازل شده بود بر پیامبرش

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ،

و شهادت می دهم که آن

حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم رساند و امر خدا را درباره تو

وَأَوْجِبَ عَلَيَّ أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ،

با صدای بلند اعلام کرد و بر امتش حتمی بودن طاعت و ولایت را واجب نمود

وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ

و بیعت تو را بر عهده آنان نهاد و قرار داد و حضرتت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان،

كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ، ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَيْهِمْ فَقَالَ:

چنان که خدا خود او را این چنین قرار داد، سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود:

أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَىٰ فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَىٰ بِكَ شَهِيداً

آیا من آن نیستم که رساندم؟ همه گفتند: به خدا آری، پس فرمود: خدایا گواه باش و تو برای گواهی

وَ حَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَلَايَتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ،

و حاکمیت بین بندگان بسی. پس خدا لعنت کند منکر ولایت را بعد از اقرار

وَنَاكِبَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَىٰ

و شکننده پیمان را پس از پیمان بستن و شهادت می دهم که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی

وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ

و خدای تعالی وفا کننده به عهد خویش برای توست و هرکس به آن پیمانی که با خدا بسته وفا کند،

اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي

خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد و شهادت می دهم که

تویی امیر مؤمنان آن حقی که

نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنَزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ،

قرآن به ولایتت گویا شد و رسول خدا در این زمینه برای تو از امت پیمان گرفت

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمُ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ:

و شهادت می دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که با خدا با جان هایتان معامله کردید، پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ

به درستی که خدا از مؤمنان خرید جان ها و اموالشان را که در عوض به آن بهشت برای آنان باشد،

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ

در راه خدا پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند،

وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ

و عده ای است بر او، محقق شده در تورات و انجیل و قرآن

وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ

و کیست که به عهد خود وفادارتر از خدا باشد، پس شادی کنید به معامله ای که انجام دادید

و ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ الْتَائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ

و این است آن رستگاری بزرگ، آنان اند توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس کنندگان، روزه گیران،

الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ

رکوع کنندگان، سجدوکنندگان، امرکنندگان به معروف، نهی کنندگان از منکر

وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

و نگهبانان حدود خدا و به مؤمنان بشارت ده، شهادت می دهم ای امیر مؤمنان

أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ

که شک کننده درباره تو به رسول امین ایمان نیاورده و اینکه روی گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر،

عَانِدٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ،

معاندانه روی گردان از دین است، دین میانه ای که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده

وَأَكْمَلَهُ بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ :

و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است و گواهی می دهم که مقصود تویی در این گفته خدای عزیز رحیم:

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ

به حقیقت این است راه راست من، از آن پیروی کنید و راه های دیگر را پیروی ننمایید که شما را از راه او پراکنده کند،

ضَلَّ وَاللَّهُ وَأَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَعِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ؛

به خدا سوگند گمراه شد و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی نمود و کسی که تو را دشمن داشت، ستیزه ورزان از حق روی گرداند؛

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَأَطَعْنَا ، وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ،

خدایا امرت را شنیدیم و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی نمودیم،

فَاهْدِنَا رَبَّنَا ، وَلَا تَرْغُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ ،

پروردگارا ما را هدایت کن و دل هایمان را منحرف مساز بعد از اینکه ما را به طاعتت هدایت کردی

وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعُمِكَ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَى مُخَالَفًا ،

و ما را از سپاسگزاران نعمت هایت قرار ده و شهادت می دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف

وَاللَّتِي مُخَالَفًا ،

وَعَلَى كَظْمِ الْعَيْظِ قَادِرًا، وَعَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا،

و با پرهیزگاری هم پیمان و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و آمرزنده آنان بودی

وَإِذَا عُصِيَ اللَّهُ سَاخِطًا، وَإِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا، وَبِمَا عَاهَدَ إِلَيْكَ عَامِلًا،

و زمانی که خدا معصیت می شود خشمناک و هنگامی که اطاعت می شود خشنودی؛ به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عامل بودی

رَاعِيًا لِمَا اسْتَحْفِظْتَ، حَافِظًا لِمَا اسْتُدْعَتْ، مُبَلِّغًا مَا حُمِّلْتَ،

و آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی و آنچه از حق بر عهده ات نهاده شده بود رساندی

مُنْتَظِرًا مَا وُعِدْتَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا،

و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی و شهادت می دهم که از روی زبونی محافظه کاری نکردی

وَ لَا أَمْسَكَتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا وَ لَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدِهِ غَاصِيًا نَاكِلًا،

و در اثر بی تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غاصبان ولایت قدم به عقب نگذاشتی

وَ لَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرِضِي اللَّهُ مَدَاهِنًا،

و به علّت سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می کند

وَ لَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا ضَعُفْتَ؛

اظهار خشنودی ننموده برای آنچه در راه خدا به تو در رسیده و سست نشدی؛

وَ لَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا،

و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی،

مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ،

پناه به

ص: 8

خدا از اینکه چنین باشی، بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی به حساب پروردگارت گذاشتی

وَقَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا أَدَّكُرُوا

و کارت را به او واگذار کردی و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند

و وَعَظُّنَهُمْ فَمَا اتَّعَطُوا، وَخَوْفُنَهُمُ اللَّهُ فَمَا تَخَوَّفُوا،

و اندرز دادی ولی قبول نکردند و آنان را از خدا ترساندی، ولی نترسیدند

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،

و شهادت می دهم که تو ای امیرمؤمنان در راه خدا به حق جهاد کردی

حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ،

تا اینکه خدا تو را به جوارش فرا خواند و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد

وَأَلْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّهَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ، لِتَكُونَ الْحُجَّهَ لَكَ عَلَيْهِمْ،

و حجتت را بر دشمنانت ختم کرد، با به قتل رساندن تو، تا حجت به سود تو و بر زیان آنها باشد،

مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ؛

همراه با آنچه برای تو بود از حجت های رسا بر همه خلق؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، خدا را خالصانه عبادت کردی و صابرانه در راه خدا جهاد نمودی

و جُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ

و به حساب خدا جانبازی کرد و به کتابش عمل نمودی و روش پیامبرش را پیروی کردی

وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

و نماز را

بپا داشتنی و زکات را پرداختی و به معروف امر کردی

و نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ ، مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ ، رَاغِبًا فِيَمَا وَعَدَ اللَّهُ

و تا توانستی از منکر نهی نمودی، طالب بودی آنچه را نزد خداست، راغب بودی در آنچه خدا وعده داد،

لَا تَحْفِلُ بِالنَّوَابِ، وَلَا تَهْنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ؛

کاسه صبرت از پیش آمدها لبریز نشد و هنگام سختی ها سست نگشتی؛

و لَا تَحْجِمُ عَنْ مُحَارِبٍ، أَفْكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ،

از مقابل هیچ جنگجویی بازنگشتی، آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد

و افتری باطلاً عَلَيَّكَ، وَ أَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عُنْكَ،

و به باطل دروغ بر تو بست و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند،

لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرًا حَسَابًا،

به راستی در راه خدا به حق جهاد کردی و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا،

وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَ صَلَّى لَهُ وَ جَاهَدَ

تویی اول کسی که به خدا ایمان آوردی برای او نماز خواندی و جهاد کردی

وَ أَبَدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشُّرْكِ، وَ الْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً

و خود را در خانه شرک برای حق آشکار نمودی، در حالی که زمین انباشته به گمراهی بود

وَ الشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً وَ أَنْتَ الْقَائِلُ:

و شیطان آشکارا عبادت می شد و تویی گوینده این سخن:

لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَ لَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَ حَشَّةً،

ثرت مردم در پیرامونم عزّتی به من نیفزاید و پراکنده شدنشان ترسی به من اضافه نکند،

وَلَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا، لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا؛ اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَنِي

اگر همه مردم از من دست بردارند، نالان نشوم، پناهنده به خدا شدم و عزّت یافتی،

وَأَثَرَتِ الْآخِرَةَ عَلَيَّ الْأُولَى فَرَهَدْتُ، وَ أَيْدِكَ اللَّهُ وَ هَذَاكَ

آخرت را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی، خدا تأییدت نمود و راهنمایی فرمود

وَ أَخْلَصَكَ وَ اجْتَبَاكَ، فَمَا تَنَاقَضَتْ أَعْمَالُكَ وَ لَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ

و در گردونه خلوص قرار داد و تو را برگزیدی، کردارهایت ضد و نقیض نشد، گفتارهایت اختلاف نیافت،

وَ لَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ وَ لَا ادَّعَيْتَ وَ لَا افْتَرَيْتَ عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا

حالات زیر و رو نگشت، ادعای بیهوده نکردی و بر خدا دروغ نبستی

وَ لَا شَرِهْتَ إِلَيَّ الْحُطَامَ وَ لَا دَسَّكَ الْأَثَامَ

و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی، گناهان تو را آلوده نساخت،

وَ لَمْ تَزَلْ عَلَيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكَ وَ يَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي

همواره امورت بر پایه برهانی از سوی پروردگارت بود، در کارت بر یقین بودی،

إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَيَّ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

به سوی حق و راه مستقیم هدایت می نمودی،

أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقٍّ وَ أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ

شهادت می دهم شهادت حق و سوگند می سوگند می خورم سوگند صدق

أَنَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ،

که محمّد و خاندانش (درود خدا بر آنان باد) سروران خلق اند

وَ أَنْتَكَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ؛ وَ أَنْتَكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَلِيُّهُ وَ أَخُو الرَّسُولِ

و اینکه تو مولای من

و مولای همه مؤمنانی؛ تو بنده خدا و ولی او و برادر پیامبر

و وَصِيُّهُ وَوَارِثُهُ وَ أَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ

و جانشین و وارث او هستی و او گوینده ی این سخن به حضرت توست

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مِنْ كَفَرٍ بِكَ ،

سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان نیاورد آنکه به تو کافر شد

وَ لَا أَقْرَبُ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ

و به خدا اقرار نمود آنکه به انکار تو برخاست، گمراه شد کسی که مردم را از تو بازداشت

وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا إِلَيَّ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ

و به سوی خدا و به جانب من راه نیافت

وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ: (وَإِنِّي لَعَفَاؤٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا)

و این گفتار پروردگار عزوجل من است: من آمرزنده ام آن کس را که توبه کرد و ایمان آورد و عمل شایسته انجام داد،

ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى وَلَايَتِكَ. مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفَى ، وَ نُورُكَ لَا يُطْفَأُ ،

سپس به سوی ولایت تو راه یافت. مولای من فضل تو مخفی نمی ماند و نورت خاموش نگردد

وَ أَنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلُمُ الْأَشْقَى ؛ مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ

و آنکه تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است، مولای من تو حجت بر بندگانی

وَ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ

و راهنمای به سوی راه راستی و ذخیره روز معادی،

مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَى مَنْزِلَتَكَ

مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند

وَأَعْلَىٰ فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتِكَ وَبَصْرِكَ مَا عَمِيَ عَلَيَّ مَنْ خَالَفَكَ

و درجه ات را در آخرت والا گردانید و بینایت نمود به آنچه بر کسی که با تو مخالفت کرد

وَ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ؛ فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ،

پوشیده ماند و بین تو و موهبت های خدا حجاب شد؛ لعنت خدا بر حلال شمارندگان حرمت

وَ ذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ،

و دفع کنندگان حقت و شهادت می دهم که آنان از زیانکارترین مردمی هستند

الَّذِينَ تَلَفَحُوا وَجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحُوتِ،

که آتش، چهره آنان را می سوزاند و در میان دوزخ، زشت و عبوس هستند

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَ لَا أَحْجَمْتَ وَ لَا نَطَقْتَ

و شهادت می دهم که اقدام نکردی و قدم به عقب نگذاشتی و سخن نگفتی

وَ لَا أَمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ؛ قُلْتُ:

و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و رسولش. خودت فرمودی:

وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ

سوگند به آنکه جانم در دست اوست، به من نظر کرد،

رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَمَا،

رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) در حالی که پیش قدمانه شمشیر می زدم، ایشان به من فرمود:

فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي،

ای علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به موسی، جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست

وَ أُعَلِّمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَ حَيَاتَكَ

مَعِيَ، وَعَلَى سُنَّتِي

و من تورا خیر می دهم که مرگ و زندگی تو با من و بر اساس راه و رسم من است،

فَوَاللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضُلُّ بِي،

به خدا سوگند دروغ نگفتم و به من دروغ گفته نشد و گمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشده

و لَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَإِنِّي لَعَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي

و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکردم، من بر برهانی از سوی پروردگارم هستم

بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ وَبَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي،

که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان داشته است

وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الواضِحِ الْفِظَةُ لَفَظًا صَدَقْتُ،

و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می گویم با صراحت تمام،

وَاللَّهِ وَ قُلْتَ الْحَقُّ؛ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ،

ای امیر مؤمنان به خدا سوگند راست گفتمی و حق گفتمی؛ پس خدا لعنت کند کسی را که تو را با آنکه با تو دشمنی کرد،

وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)

برابر قرار داد درحالی که خدا می فرماید: آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند برابرند؟

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ،

پس خدا لعنت کند کسی را که مساوی تو قرار داد، آن کس را که خدا ولایت را بر او واجب کرد

وَ أَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ أَحْوَرُ سُوْلِهِ

، وَ الدَّابُّ عَنْ دِينِهِ

و حال اینکه تو ولی خدایی و برادر رسول خدایی و دفاع کننده از دین خدایی و کسی هستی

وَ الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى :

که قرآن به برتری اش گویاست، خدای تعالی فرمود:

(وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

خدا جهاد کنندگان را بر نشستگان برتری داد به اجری بزرگ،

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)

درجات و مغفرت و رحمت از جانب او برای جهادگندگان است و خدا همواره آمرزنده و مهربان است

وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : (أَجْعَلْتُكُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ،

و خدای تعالی فرمود: آیا آب دهی به حاجیان و آباد کردن در مسجد الحرام را قرار داده اید

كَمْ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

همانند آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟

لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ ، وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ؛

هرگز پیش خدا برابر نیستند، خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند؛

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ،

آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند،

بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ

با اموال و جان هایشان از جهت مقام به نزد خدا برترند

وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ؛ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ

و ایشان رستگاران اند، نویدشان می دهد پروردگارشان به رحمتی از جانب خود و خشنودی

وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا

نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ،

و بهشت هایی که در آنها نعمت پایدار برای آنان باشد؛

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ،

در آن بهشت ها جاودان اند، به راستی که نزد خدا پاداشی بزرگ است؛

أَشْهَدُ أَنْكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ الْمُخْلِصِ لِعَطَاعِهِ اللَّهِ ،

شهادت می دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته ای و مخلص در طاعت خدایی،

لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَى بَدَلًا وَ لَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا

برای هدایت جایگزینی نجستی و در بندگی پروردگارت احدی را شریک نساختی،

وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ،

خدای تعالی دعای پیامبرش (درود خدا بر او و خاندانش) را در حق تو اجابت کرد،

فِيكَ دَعْوَتُهُ ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ

سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد،

إِعْلَاءَ لِسَانِكَ وَ إِعْلَانًا لِبُرْهَانِكَ ، وَ دَخْضًا لِلْأَبْطَالِ

برای بالا بردن شانت و علنی ساختن برهانت و دفع باطل ها

وَ قَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ ،

و بریدن بهانه ها، پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمناک شد

وَ اتَّقَى فِيكَ الْمُتَنَفِقِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ:

و درباره تو در برابر منافقان محافظه کاری کرد، پروردگار جهانیان به او وحی کرد:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ ، بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ،

ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده به مردم برسان،

وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ، وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛

اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای، خدا

ص: 16

تورا از مردم حفظ می کند؛

فَوَضَعَ عَلَيَّ نَفْسِي أَوْزَارَ الْمَسِيرِ، وَ نَهَضَ فِي رَمَضَانَ الْهَجِيرِ فَخَطَبَ ،

پس او بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد و در حرارت شدید نیمه روز برخاست، سخنرانی کرد

وَ أَسْمَعَ وَ نَادَى فَأَبْلَغَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعَ فَقَالَ هَلْ بَلَغْتُ فَقَالُوا:

و شنوید و فریاد زد، پس پیام حق را رساند، سپس از همه آنها پرسید: آیا رساندم؟ گفتند:

اللَّهُمَّ بَلَى فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ ثُمَّ قَالَ:

به خدا قسم آری. فرمود: خدایا شاهد باش؛ سپس به مردم خطاب کرد:

أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟

فَقَالُوا بَلَى فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ» ،

گفتند: آری، پس دست تورا گرفت و فرمود: هرکه من مولای اویم، پس این علی مولای اوست،

اللَّهُمَّ وَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ ،

خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن دارد

وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» .

و یاری کن کسی را که یاری اش کند و خوار کن هرکه خوارش سازد؛

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ ،

پس به آنچه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد

إِلَّا قَلِيلًا وَ لَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ

جز عده ای اندک و اکثرشان را نیفزود جز زیانکاری،

وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَ هُمْ كَارِهُونَ:

پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل

کرد درحالی که آنان دوست نداشتند:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر که از شما از دینش برگردد،

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ ،

خدا به زودی قومی را بیاورد که آنها را دوست دارد

و يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ ،

و آنها هم خدا را دوست دارند، بر مؤمنان نرمند و بر کافران سخت،

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ،

در راه خدا جهاد کنند، از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند،

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ،

این است فضل خدا، به هر که بخواهد عنایت می کند، خدا گسترنده و دانا است.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

جز این نیست که شما ولی خدا و رسول او و همه آنانی هستی که ایمان آوردند

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ، وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ،

و آنانی که نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند، درحالی که رکوع کننده اند

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

و هر که با خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند دوستی کند،

فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ ،

پس حزب خدا پیروز است پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی نمودیم،

فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا ،

پس ما را با گواهان بنویس، پروردگارا دلهای ما را پس از آنکه

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .

و به ما از نزد خود رحمتی ببخش که تو بسیار بخشنده ای،

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ

خدایا ما می دانیم که این گفتار از نزد تو حق است،

فَالْعَنْ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ ،

پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد و به آن کبر ورزید و آن را تکذیب کرد و کافر شد

(وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)؛

و زود است بدانند کسانی که ستم کردند، به چه بازگشت گاهی برگردند؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ أَوْلَى الْعَابِدِينَ ،

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان و رأس عبادت کنندگان

وَ أَرْهَدَ الزَّاهِدِينَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ ،

و پارساترین پارسایان و رحمت خدا و برکات و درود ها و تحیاتش بر تو باد،

وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ ؛ أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ ،

تویی خوراننده طعام در حال دوست داشتن آن،

مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا لَوْجِهَ اللَّهِ ، لَا تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَ لَا سُكُورًا ،

به درمانده و یتیم و اسیر، تنها به خاطر خشنودی خدا که از آنها پاداش و سپاسی نمی خواستی

وَ فَيْكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ،

و خدای تعالی در حق تو چنین گفت: دیگران را بر خود ترجیح می دهند، گرچه خود تهیدست باشند،

وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ)؛

هرکه از بخل وجودش محفوظ ماند پس آنان اند از رستگاران،

وَأَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْغَيْظِ ، وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ،

تویی فرو برنده خشم و گذشت کننده از مردم و خدا نیکوکاران را دوست دارد،

وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبُاسَاءِ وَالصَّرَاءِ ، وَحِينَ الْبَأْسِ

تویی صبر کننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ،

وَأَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسُّوْيَةِ ، وَالْعَادِلُ فِي الرِّعْيَةِ ،

تویی بخش کننده به برابری و دادگر در میان ملت

وَالْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ ،

و آگاه به مقررات خدا، از میان همه انسان ها،

وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ:

خدای تعالی خبر داد از آنچه سزاوار کرده تو را از فضلش به گفته اش:

(أَقَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ؟

آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟

! أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

هرگز برابر نیستند اما کسانی که ایمان آوردند و کار شایسته کردند،

فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى ، نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)؛

برای آنهاست بهشت های خویش، جایگاه جهت پذیرایی به پاداش آنچه انجام دادند؛

وَأَنْتَ الْمَنْخُصُّوَصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ ، وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ ،

و تویی اختصاص یافته به علم قرآن و حکم تأویل

و نَصِّ الرَّسُولِ ، وَلِكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ ،

و صریح گفتار پیامبر و تورا است موقعیت های گواهی شده

و الْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ، وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ،

و مقامات مشهور و روزهای یاد شده،

يَوْمَ بَدْرٍ

ص: 20

وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ، (إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ،

روز بدر و روز احزاب آن زمان که چشم‌ها منحرف

وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا؛

و جان‌ها به گلوها رسید و به خدا گمان می‌بردید، گمان‌های گوناگون،

هَذَا لِكِ ابْتِلَايَ الْمُؤْمِنِينَ، وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا؛

در آنجا اهل ایمان آزمایش شدند و دچار تزلزل روحی گشتند،

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ،

تزلزل سخت؛ آن هنگام اهل نفاق و آنان که در دل‌هایشان بیماری بود گفتند:

مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا؛ وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ:

خدا و رسولش جز فریب به ما وعده ندادند و در آن زمان گروهی از آنان گفتند:

يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا،

ای اهل مدینه جایی برای شما نیست، بازگردید

وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ:

و جمعی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند، می‌گفتند:

إِنَّ بَيْوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا؛

خانه‌های ما باز و بی حفاظ است و حال آنکه بی حفاظ نبود، آنان جز فرار از جنگ قصدی نداشتند؛

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا:

و خدای تعالی فرمود: همین که اهل ایمان دسته‌های کفر و شرک را دیدند گفتند:

هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ،

این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داد، خدا و رسولش راست گفتند

وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا)

، فَقَتَلْتُمْ عَمْرَهُمْ ،

و آنان را نینفوذ مگر ایمان و تسلیم، پس «عمر و» قهرمان

و هَزَمْتُمْ جَمْعَهُمْ ، (وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغِيظِهِمْ

انها را کشتی و جمع آنان را فراری دادی و خدا آنان را که کافر بودند با خشمشان بازگرداند،

لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا ، وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ ، وَ كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا) ،

در حالی که به غنیمتی دست نیافتند و خدا جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد و خدا نیرومند و عزیز است

وَ يَوْمَ أُحُدٍ (إِذْ يُصْعِدُونَ وَ لَا يُلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ ،

و روز اُحد هنگامی که از اطراف پیامبر فرار می کردند و به احدی اعتنا نمی نمودند

وَ الرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ) وَ أَنْتَ تَدْعُوهُمْ بِالْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ،

و پیامبر آنان را از پشت سرشان به کار زار دعوت می کرد، تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر

ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشَّمَالِ ،

به راست و چپ دفع می کردی

حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا خَائِفِينَ ، وَ نَصَرَ بِكَ الْخَادِلِينَ ،

تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند و شکست خوردگان را به وسیله تو یاری کرد

وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَى مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ :

و روز حنین، بنا بر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد:

(إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا ،

«زمانی که نفرت زیاد شما باعث شگفتی شما شد،

وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ،

ولی شما را به هیچ وجه بی نیاز نکرد و

زمین با آن فراخی اش بر شما تنگ شد،

ثُمَّ وَلَيْتُمْ مُدْبِرِينَ ، ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

سپس روی گردانده فرار کردید آنگاه خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل فرمود»

وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ ، وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُتَهَزِّمِينَ :

«مؤمنان» تو بودی و همراهانت و عمویت عباس [که] شکست خوردگان را صدا می زد:

يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ ،

ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیعت شجره

حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَعُونَةَ ،

تا جماعتی به او پاسخ دادند که تو رنج آنها را کفایت کردی

وَ تَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ ، فَعَادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمَعُونَةِ ،

و به جای آنها کمک را عهده دار شدی، پس نوامید از پاداش برگشتند

رَاجِعِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ :

و امیدوار به وعده خدای تعالی به توبه و این است سخن خدا که عظیم باد یادش:

(ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ)

«آنگاه خدا توبه می پذیرد پس از آن، توبه کسی را که بخواهد»،

وَ أَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ ، فَانْزِلْ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ ،

درحالی که تو درجه صبر را به دست آوردی و به مزد بزرگ پیروز شدی

وَ يَوْمَ خَيَّبَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ ،

و روز خیبر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد

وَ قَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ؛

و دنباله کافران را برید و سپاس خدای را

(وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْتُونَ الْأَذْبَارَ، وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا)؛

در حالی که آنها از پیش با خدا پیمان بسته بودند که فرار نکنند و به یقین پیمان خدا مورد بازخواست است؛

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجْبَةُ الْبَالِغَةُ، وَ الْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ، وَ النَّعْمَةُ السَّابِغَةُ،

مولای من تویی حجت رسا و راه روشن و نعمت کامل

وَ الْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ،

و برهان تابناک، پس گوارا باد تو را، آنچه خدا از برتری به تو داد

وَ تَبَا لِسَانِكَ ذِي الْجَهْلِ، شَهَدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و نابود باد دشمن نادانت، با پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش)

جَمِيعِ حُرُوبِهِ وَ مَغَازِيهِ، تَحْمِلُ الرَّايَةَ أَمَامَهُ،

در تمام جنگ ها و لشکرکشی هایش حاضر بودی، پیشاپیش پرچم اسلام را به دوش می کشیدی

وَ نَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ، وَ بَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ،

و در برابرش شمشیر می زدی، سپس تنها برای تدبیر و کاردانی مشهودت و بینایی ات در امور،

أَمَّرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ،

در تمام میدان ها تو را به فرماندهی می گماشت و امیری بر تو نبود،

وَ كَمْ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى،

چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیمت در آنها شد،

وَ اتَّبَعَ غَيْرِكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى،

اما جز تو در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد،

فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ

انتهی ،

پس نادانان گمان کردند که تو از آنچه او به آن رسید عاجز شدی،

ضَلَّ وَاللَّهِ الظَّنُّ لِدَلِيكَ وَمَا اهْتَدَى ،

به خدا قسم گمان کننده این چنین گمراه شد و راه نیافت

و لَقَدْ أَوْصَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّم وَامْتَرَى ،

و تو واضح ساختی آنچه مشکل شده بود از این امور، برای آن که توهم و تردید کرد به گفتارت،

بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ: «قَدْ يَرَى الْحَوْلُ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحِيلَةَ ،

دروغ خدا بر تو که فرمودی: گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند،

و دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ ، فَيَدْعُهَا رَأَى الْعَيْنِ ،

ولی در برابرش پرده ای از تقوای خداست، در نتیجه روی چاره را آشکار رها می کند،

و يَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيْبَةَ لَهُ فِي الدِّينِ»؛

ولی فرصت آن را غنیمت می داند کسی در امر دین باکی ندارد؛

صَدَقْتَ وَاللَّهِ ، وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ ،

به خدا سوگند راست گفתי و یاوه سرایان دچار زیان شدند،

وَ إِذْ مَا كَرَّكَ النَّاكِرَانِ فَقَالَا ،

هنگامی که آن دو عهد شکن [طلحه و زبیر] با تو به فریبکاری برخاستند و گفتند

نُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَقُلْتَ لَهُمَا: «لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ ،

قصد عمره داریم، به آنان گفתי: به جان خودتان قسم قصد عمره ندارید،

لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ» ، فَأَخَذَتْ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا ،

بلکه قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی

وَ جَدَّدْتَ الْمِيثَاقَ فَجَدَّأَ فِي النَّفَاقِ ،

و پیمان را محکم کردی، پس در نفاق کوشیدند،

فَلَمَّا نَبَّهْتُهُمَا عَلَىٰ

ص: 25

فَعَلِيهَما ، أَغْفَلَا وَ عَادَا وَ ما انْتَفَعَا ،

زمانی که بر کار نادرستشان آگاهشان کردی، بی توجهی کردند و به کار خویش بازگشتند،

وَ كانَ عاقِبَةُ أَمْرِهِما خُسْرا ؛

ولی بهره مند نشدند و سرانجام کار هر دو خسران شد؛

ثُمَّ تَلاهُما أَهْلُ السَّامِ ، فَسِرتَ إِلَيْهِم بَعْدَ الإِعْذارِ ،

سپس اهل شام خیانت آن دورا دنبال کردند و تو پس از بستن راه عذر بر آنان به سویشان حرکت کردی،

وَ هُمْ لا يَدِينُونَ دِينَ الحَقِّ ، وَ لا يَتَدَبَّرُونَ القُرْآنَ ،

ولی آنها به دین حق گردن نهادند و در قرآن تدبّر نمودند،

هَمَجٌ رِعاةٌ ضالُّونَ ، وَ بِالَّذِي أنزَلَ عَلَي مُحَمَّدٍ فيكَ كافِرُونَ ،

بی خردان پست و گمراهان ناجوانمرد، به آنچه در حق تو بر محمد نازل شده بود کافرند

وَ لِأَهْلِ الخِلافِ عَلَينِكَ ناصِرُونَ ، وَ قد أَمَرَ اللهُ تَعالَى بِاتِّباعِكَ ،

و یاوران مخالف تو، در حالی که خدا به پیروی از تو امر کرد

وَ نَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلى نَصْرِكَ وَ قالَ عَزَّ وَ جَلَّ :

و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند و فرمود خدای عزوجل:

(يا أَيُّها الَّذِينَ آمَنُوا ، اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را پروا کنید و با راست گویان باشید؛

مَوْلای بِكَ ظَهَرَ الحَقُّ ، وَ قد نَبَذَهُ الحَلْقُ ،

مولای من حق بر تو نمایان شد، درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند

وَ أَوْضَحَتِ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمَسِ ،

و تورش های دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی،

فَلِكَ

سَابِقَهُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ ؛

تو راست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن

وَ لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ ،

و تو راست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تأویل

وَ عَدُوَّكَ عَدُوَّ اللَّهِ ، جَا حِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ،

و دشمن تو دشمن خدا و انکار کننده رسول خدا است،

يَدْعُو بَاطِلًا وَيَحْكُمُ جَائِرًا ، وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا

دعوت می کند دعوت باطل، حکومت می کند به ستم، فرمان می دهد غاصبانه،

وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ وَ عَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَ يُنَادِي بَيْنَ الصَّفَّيْنِ :

دار و دسته اش را به دوزخ می خواند، درحالی که عمّار جهاد می کرد و میان دو لشکر فریاد می زد:

الرَّوَّاحَ الرَّوَّاحَ إِلَى الْجَنَّةِ ، وَ لَمَّا اسْتَسْقَى فَسَقَى اللَّبْنَ ،

کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد

كَبَّرَ وَ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ :

و تکبیر زد و گفت: رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) به من فرمود:

آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَاخٌ مِنْ لَبَنِ

آخرین نوشیدنی ات از دنیا مخلوطی است از شیر

وَ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ؛ فَأَعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ ،

و تو را گروه متجاوز به قتل می رساند؛ پس ابوالعادیة فزاری راه را بر عمّار گرفت و او را کشت،

فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ ، وَ لَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ ،

بر ابوالعادیة لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران

وَ عَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ ، وَ سَلَّتْ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ،

ولعنت

ص: 27

بر کسی که شمشیر به روی تو کشید و توبه روی او شمشیر کشیدی ای امیر مؤمنان،

مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُتَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ،

از مشرکان و منافقان تا روز قیامت و بر آنکه خشنود شد

وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ وَ لَمْ يَكْرَهُهُ،

به آنچه تو را غمگین ساخت و غم تو را ناخوش نداشت

وَ أَعْمَصَ عَيْنَهُ وَ لَمْ يُنْكِرْ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ،

و دیده برهم نهاد و بی تفاوت گذشت و علت و عاملش را انکار نکرد یا علیه توبه دست و زبان کمک کرد

أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ،

یا از یاری ات دست کشید یا از جهاد نمودن به همراه تو، کناره گیری کرد یا فضل تو را کوچک شمرد

وَ جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ،

و حقت را انکار کرد یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به او از خود او،

وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ،

درود های خدا و رحمت و برکات

وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ عَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ،

و سلام و تحیاش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو

إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛ وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْحَطْبُ الْأَقْطَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ

که خدا ستوده و بزرگوار است؛ و امر شگفت آور و مشکل جانگدازتر پس از انکار حق تو

عَصْبُ الصِّدِّيقِ الطَّاهِرِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدِهِ

النِّسَاءِ فَذَكَا وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَشَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَالَتِكَ

غضب فدک صدیقہ طاہرہ زہرا سرور زنان، و نپذیرفتن گواہی تو و گواہی دو سرور از نژادت

وَ عِزِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَقَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ

و عترت مصطفی است!! (درود خدا بر شما باد)، و حال آن که خدا درجه شما را بر امت برتر گرداند، و منزلت شما را رفیع قرار داد،

وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا

و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار ساخت، و پلیدی را از شما برد، و پاکتان ساخت پاک ساختنی ویژه،

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ

خدا عزّ و جلّ فرمود: انسان بسیار حریص آفریده شده، چون گزندى به او در رسد بی صبری کند،

إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ فَاسْتَنْتَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَ أَنْتَ يَا سَيِّدَ

و چون خیری به او در رسد دریغ ورزد، جز نمازگزاران، پس خدای متعالی، پیامبر برگزیده اش را و تورا،

الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ ،

ای سرور جانمشیان از همه خلق استثنا کرد، پس آنان که به تو ستم کردند، چقدر از دیدن حق کور بودند،

ثُمَّ أَفْرَضُواكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرًا وَ أَحَادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ جَوْرًا فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ

سپس سهم خویشان پیامبر را از باب فریب برای تو مقرر داشتند، ولی به جور و ستم از اهلش برگرداندند

أَجْرِيَتْهُمْ عَلَى مَا أَجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ

اللَّهِ لَكَ فَاشْبَهَتْ مِخْنَتَكَ بِهِمَا مِخْنَ

چون حکومت به تو برگشت با خویشان پیامبر درحالی که از آن دو نفر روی گردان بودی، بخاطر پاداشی که نزد خدا برای تو بود،

الْأَنْبِيَاءَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ الْأَنْصَارِ وَ اشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَيَّ

به همان صورت عمل کردی که آن دو نفر عمل کردند، پس گرفتاری تو به آن دو نفر به گرفتاری پیامبران (درود خدا بر ایشان) در هنگام تنهایی و بی یآوری شبیه شد،

الْفِرَاشِ الذَّبِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَحْبَبْتَ كَمَا أَحَبَّ وَ اطَّعْتَ كَمَا اطَّاعَ إِسْمَاعِيلُ

و در آرمیدن در بستر پیامبر شبیه به اسماعیل ذبیح (درود بر او) شدی چه آن که تو نیز مانند او قبول کردی،

صَابِرًا مُحْتَسِبًا إِذْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا

و اطاعت نمودی به همان صورت که اسماعیل صابرا نه و پاداش خواهانه اطاعت کرد، وقتی که ابارهمی به و او گفت: «پسرم در خواب دیدم که ترا ذبح می کنم، بنگر که رأی تو چیست؟»

أَبْتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ

گفت: «پدر به آنچه دستور داده شده ای اقدام کن، اگر خدا بخواهد مرا از بردباران خواهید یافت»، و تو نیز زمانی که پیامبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَمَرَكَ أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقْبِلْ لَهُ بِنَفْسِكَ أَسْرَعْتَ إِلَيَّ

(درود خدا بر او و خاندانش) در بسترش خوابانندت و به تو فرمان داد در خوابگاهش بیارامی، و او را با جانان از شر دشمنانش حفظ کنی،

إِجَابَتِهِ مُطِيعًا وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا،

رمانبردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی، و خورا برای کشته شدن آماده کردی،

فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ وَابَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

در نتیجه خدا از فرمان برداریت قدردانی کرد، و از کار زیباییت به گفتارش جَلَّ ذِكْرُهُ در قرآن پرده برداشت، آنجا که فرمود: «و از مردم کسی است

يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ثُمَّ مَحْنَتَكَ يَوْمَ صِفِّينَ وَقَدْ زُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيلَةً

که جانش را برای بدست آوردن خوشنودی خدا می فروشد» سپس گرفتاریت در جنگ صفین، در حالی که قرآن ها از روی حيله

وَ مَكْرًا فَأَعْرَضَ الشُّكُّ وَ عَزِفَ الْحَقُّ وَ اتَّبَعَ الظَّنُّ أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ

و فریب به نیزه ها بالا رفته بود، در نتیجه شک و تردید پیدا شد، و حق به یک سو افتاد، و از گمان پیروی شد، این گرفتاری ات شبیه

مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَ هَارُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَ يَقُولُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ

به گرفتاری هارون شد، زمانی که موسی او را بر قوم خود امارت داد، آنها از او پراکنده شدند، هارون بر سر آنان فریاد می زد و می گفت: ای مردم شما به گوساله آزمایش شده اید

رَبِّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ

به درستی که پروردگار شما خدای بخشنده است، از من پیروی کنید. و از دستورم پیروی نمایید، گفتند همچنان روی آور به گوساله خواهیم بود

إِلَيْنَا مُوسَى وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا زُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَ خُدِعْتُمْ

تا موسی به سوی ما بازگردد!! و همچنین

تو ای امیر مومنان، همین که قرآن‌ها بالا رفت گفتی: ای ملت شما، به آن آزمایش شدید و گرفتار نیرنگ گشته اید،

فَعَصَوْكَ وَ خَالَفُوا عَلَيْكَ وَ اسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ فَأَيَّتَ عَلَيْهِمْ وَ تَبَرَّاتِ إِلَى

اما از خواسته تو سرپیچی کردند، و با تو به مخالفت برخاستند، و گماشتن دو داور را از تو تقاضا نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز زدی، و از عمل آنان به سوی خدا بی‌زاری جستی،

اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ فَوَضَّتْهُ إِلَيْهِمْ فَلَمَّا اسْفَرَ الْحَقُّ وَ سَفِهَ الْمُنْكَرُ وَ اعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَ

و آن را به خودشان وا گذاشتی، پس زمانی که حق آشکار شد، و خطای منکر روشن گشت، و به لغزش و انحراف از راه حق اعتراف کردند،

الْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ وَ أَلْزَمُوكَ عَلَى سَفَهِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ وَ

پس از آن دچار اختلاف شدند، و از روی بی‌خردی تو را مجبور به پذیرفتن حکمیت کردند، حکمیتی که از آن سرباز زدی و آنان می‌خواستند و

أَحْبَبُوهُ وَ حَظَرْتَهُ وَ أَبَا حُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ،

تو از آن باز داشتی، روا دانستند گناهانشان را که مرتکب شدند،

وَ أَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَ هُدًى وَ هُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَ عَمَى فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصِرِّينَ

تو بر راه بینایی و هدایت بودی، و ایشان بر روش های گمراهی و کوری، همچنان بر نفاق اصرار داشتند،

وَ فِي الْعَمَى مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَ بَالَ أَمْرِهِمْ فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَشَقِيَ

و در گمراهی سرگردان بودند، تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشانند، و کسی را که با

تو دشمنی کرد با شمشیرت به نابودی کشید،

وَ هَوَىٰ وَ أَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهَدَىٰ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً وَ رَائِحَةً وَ عَاكِفَةً

پس بدبخت و نگونسار شد، و با حجت تو زنده کرد کسی را که سعادت یافت، و راهنمایی شد. درود خدا بر تو باد بامداد و شامگاه،

وَ ذَاهِبَةً فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَ صَفَكَ وَ لَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً

در حضر و در سفر، بر وصف مدح کننده ای احاطه نکند، و عیب جوئی برتری ات را نابود ننماید، تو در عبادت بهترین خلقی،

وَ أَخْلَصَهُمْ زَهَادَةً وَ أَدَّبَهُمْ عَنِ الدِّينِ أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجَهْدِكَ [بِجَهْدِكَ]

و در پارسایی خالص ترین آنانی، و در دفاع از دین سرسخت ترین ایشان، با کوششت حدود خدا را بپا داشتی،

وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ تُخَمِدُ لَهُبَ الْحُرُوبِ بِنَانِكَ وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بِنِيَانِكَ

و با شمشیرت اردوهای خارج از دین را فراری دادی، با سرانگشتهایت شعله جنگها را خاموش ساختی، و با بیانت پرده های شبه را دریدی،

وَ تَكْشِفُ لِبَسِ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ

و آمیختگی باطل را از حق روشن برطرف کردی، سرزنش هیچ سرزنش کننده ای تو را در راه خدا نگرفت،

وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَىٰ لَكَ غِنَىٰ عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِيطِ الْوَاصِفِينَ،

مدح خدای تعالی تو را بی نیاز کرد از مدح مداحان و ستایش وصف کنندگان،

قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ

خدای تعالی فرمود: از مؤمنان مردانی هستند که

به آنچه با خدا بر آن پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند،

و مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا وَ لَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ قَتَلْتَ النَّكَّاثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَ

گروهی بر سر پیمان خود به شهادت رسیدند، و جمعی از آنان انتظار می شکند، و به هیچ روی تغییر نکردند. زمانی که دیدی پیمان شکنان و ستمکاران

الْمَارِقِينَ وَ صَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَدَّهُ فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ قُلْتَ أَمَا

و بیرون رفتگان از دین را کشتی، و رسول خدا(که درود خدا بر او و خاندانش باد) وعده اش را به تو راست گفته بود، و تو هم به عهدش وفا کردی، گفתי: آیا

أَنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا وَ ائْتَا بِأَنَّكَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ وَ

وقت آن نرسیده که این محاسن به خون سر رنگین شود؟، با چه زمان بدبخت ترین این ملت برای این کار برانگیخته می شود،

بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ مُسْتَبَشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

اطمینان داشتی به اینکه بر پایه برهانی از پروردگارت و بصیرت از کارت هستی، وارد شونده بارگاه خدایی، شادان به معامله ای که انجام دادی، و این است آن راستگاری

الْعَظِيمُ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَ أَوْصِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ ،

بزرگ. خدایا کشدگان پیامبران، و جانشینان انبیایت را به تمام لعنت هایت لعنت کن،

وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ وَ الْعَنْ مَنْ غَضَبَ وَ لِيكَ حَقَّهُ وَ أَنْكَرَ عَهْدَهُ وَ جَحَدَهُ بَعْدَ

و آنان را ملازم حرارت آتش گردان، و لعنت کن کسی را که حق ولی ات را

غصب کرد، و پیمانش را انکار نمود،

الْيَقِينِ وَالْإِقْرَارِ بِالْوَلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

و او را پس از یقین و اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی منکر شد، خدایا قاتلان امیر مؤمنان و

مَنْ ظَلَمَهُ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ

کسانی که به او ستم کردند، و پیروان و یاران آنان را لعنت کن. خدایا ستم کنندگان بر حسین را لعنت کن، و همچنین قاتلانش،

و ناصریه و الراضین بقتله و خاذلیه لعنا و بیلا اللهم العن اول ظالم ظلم آل محمد و

و پیروی کنندگان از دشمنش و یاوران دشمنش، و راضیان به قتلش، و دریغ کنندگان از یاری اش لعنتی شدید و سخت، خدایا لعنت کن اول ستمکاری که به خاندان محمد ستم کرد،

مَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَ غَاصِبٍ لآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَ كُلِّ مُسْتَنِّ بِمَا

و آنان را از حقوقشان بازداشت، خدایا اول ستمکار و غاصب حق خاندان محمد را به لعنت اختصاص ده،

سَنَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ [وَ آلِ مُحَمَّدٍ] خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى عَلِيٍّ سَيِّدِ

و هر پیروی کننده از آنچه او شیوه ساخت تا روز قیامت. خدایا درود فرست بر محمد خاتم پیامبران، و بر علی سرور

الْوَصِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ وَ بَوْلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ

اوصیاء، و خاندان پاکش، و ما را قرار ده از متمسکین به آنان، و از کامیابان به ولایتشان،

الْآمِنِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

و ایمنانی که نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می شوند.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

